

علل و عوامل توقف فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی از منظر نخبگان حزبی

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۳۱

مهدی محمدی بیدختی<sup>۱</sup>

احمد بخشایشی اردستانی<sup>۲\*</sup>

مصطفی کواکبیان<sup>۳</sup>

مرتضی محمودی<sup>۴</sup>

## چکیده

یکی از ضرورت‌های انکارناپذیر در عرصه سیاست، بررسی نقش و عملکرد احزاب سیاسی موجود در یک جامعه از زمان تشکیل تا پایان مسیر است چراکه احزاب بخشی از پیکره سیاسی یک نظام هستند. حزب جمهوری اسلامی از جمله احزاب مهم و اساسی ایران است که با شکل‌گیری انقلاب، انعقاد یافت و پس از یک دهه فعالیت حزبی، فعالیت‌های خود را در جامعه سیاسی ایران متوقف کرد. این حزب بعد از انقلاب نقش مهمی در برپایی پایه‌های کشور داشت از جمله تدوین قانون اساسی، تشکیل نهادهای مدنی و قوای سه‌گانه. همچنین این حزب برگزاری نه انتخابات مختلف و سرنوشت‌ساز را در کارنامه خود ثبت کرده است. حال این پژوهش باهدف بررسی و تحلیل علل توقف فعالیت‌های حزب جمهوری از منظر نخبگان حزبی، صورت گرفته است. در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و مصاحبه استفاده شده است و از ده نخبه حزبی در این خصوص مصاحبه صورت گرفت تا به سؤال اصلی پژوهش پاسخ داده شود. درنهایت این نتیجه حاصل شد که نخبگان و بزرگان حزب جمهوری زمانی که بین ارزش‌های اعضا حزب با یکدیگر، تضاد و تناقض احساس کردند، دو راه پیش‌روی خود دیدند. حفظ حزب و تغییر ارزش‌های حزب و یا متوقف کردن حزب با اولویت حفظ ارزش‌ها. بزرگان حزب، مسیر دوم را برگزیدند و حفظ ارزش‌های حزب را مهم‌تر از حفظ نماد حزب دانستند و این امر موجب توقف فعالیت حزب جمهوری اسلامی شد. درنهایت دلایل توقف حزب با توجه به مصاحبه صورت گرفته به این شرح است: چنددستگی اندیشه در بین نخبگان حزبی، عدم انسجام در بین اعضا، فراگیر و جبهه‌ای بودن، نحوه عضوگیری، عدم وجود اهداف قوی و منسجم، پراکندگی خواسته‌های اعضا حزب و شهادت مؤثرترین دبیر کل حزب یعنی آیت‌الله بهشتی.

**کلیدواژه:** حزب، حزب جمهوری اسلامی، نخبه

<sup>۱</sup> گروه علوم سیاسی - گرایش مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> گروه علوم سیاسی - اندیشه سیاسی و مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Ahmadbakhshi0912@gmail.com

<sup>۳</sup> گروه علوم سیاسی - گرایش مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

<sup>۴</sup> گروه علوم سیاسی - گرایش مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

وجود احزاب سیاسی، یکی از بارزترین و با اهمیت‌ترین کلیدها در سیاست امروزی است. افراد از طریق احزاب و وابستگی به آنها، راه رسیدن به قدرت را پیگیری می‌کنند که نتیجه آن در یک کشور مشخص، ثبات سیاسی به همراه توسعه سیاسی می‌باشد. اگر در هر جامعه احزاب طبق این رویه پیش بروند، باید بیان کرد که سیاست در آن جامعه حالت ایده آلی دارد و این نگرش نسبت به احزاب، یک نگرش بسیار خوش‌بینانه است. در این سخن، از مسائل پیش‌روی احزاب غفلت شده. به دیگر سخن، صرف وجود احزاب سیاسی در یک کشور برای پیشبرد اهداف سیاسی یک کشور کفایت نمی‌کند. برخی کارکردهای منفی احزاب مانند ایجاد تفرقه بین مردم و سایر احزاب که در نهایت منجر به پیدایش دیکتاتوری می‌شود، موجب شده است که اندیشمندان این حوزه نسبت به بحث احزاب با دید اغماض‌گرایانه بنگرند (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۵۴).

پیشینه ناکامی حزب را می‌توان در دوران مشروطه جستجو کرد. به نظر می‌رسد یکی از علل ناکامی احزاب در ایران، نحوه تشکیل، پذیرش اعضا و تعیین خط‌مشی احزاب سیاسی باشد. البته نباید از سایر علل مانند نگاه منفی مردم به احزاب و تاریخچه برخی اعضای حزب غافل شد. به دیگر سخن، نفس وجود یک حزب را نمی‌توان مثبت یا منفی قلمداد کرد بلکه این خط‌مشی و اهداف یک حزب است که تعیین می‌کند که حزب پابرجا باشد و یا از حرکت بایستد (جاسبی، ۱۳۸۴: ۳۲).

در این مقاله به بررسی حزب جمهوری اسلامی و علل توقف آن از دید نخبگان حزبی می‌پردازیم.

## بیان مسئله

حزب جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان اولین حزب بعد از انقلاب، بافاصله‌ای اندک از انقلاب اسلامی ایران، یعنی در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۵۷، موجودیت خود را در تاریخ ایران ثبت کرد و فعالیت خود را به‌طور رسمی آغاز کرد. این حزب متشکل از افراد دین‌دار و معتقد به مسیر امام خمینی همچون آیت‌الله بهشتی بود که اعتقاد داشتند مسیر امام خمینی و اندیشه ایشان باید ادامه یابد و اهدافی که به دلیل رسیدن به آنها، انقلاب شده است، تا پایان مسیر به همین شکل باقی بماند (اشرفی، ۱۳۹۵: ۶۶).

حزب جمهوری اسلامی بعد از بنا گذاشتن پایه‌های خود، هدف خود از شکل‌گیری را به این شرح ارائه داد: « پاسداری از دستاوردهای انقلاب، مبارزه با ضدانقلاب، ایجاد امید در مردم و بهره‌گیری از مبارزات ضد استبدادی» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶).

سایر کارکردهای حزب جمهوری اسلامی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. فعالیت گروهی از اعضا حزب در کابینه دولت و سایر قسمت‌های حکومت
۲. حضور اعضا حزب در قوه مجریه
۳. عضویت قاطع در مجلس شورای اسلامی
۴. قرارگیری در رأس امور از جمله مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه
۵. تدوین قانون اساسی (اشرفی، ۱۳۹۵: ۶۸)

این دستاوردهای حزب جمهوری اسلامی، اذهان را به این سمت پیش برد که این حزب هم‌زمان با انقلاب پیش می‌رود و مانند روزهای نخست برپایی حزب، اعضا در رأس انقلاب اسلامی ایران خواهند ماند. اما بعد از گذشت چند سال از حیات سیاسی حزب جمهوری اسلامی، با وجود گسترش تفکرات مختلف در کشور و ایجاد اندیشه‌های جدید در مورد قوانین موجود، چنددستگی در حزب ایجاد شد. نتیجه این امر ایجاد گسست بین اعضا حزب بود. حزب جمهوری اسلامی بعد از شیوع اندیشه‌های جدید، دیگر مانند گذشته، انسجام و یکپارچگی نداشت. نتیجه این امر این شد که مؤسسان حزب، حکم به توقف فعالیت‌های حزب بدهند (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۳۳).

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان بیان کرد که علت کلی توقف فعالیت حزب جمهوری اسلامی، از بین رفتن پیوستگی بین اعضا بوده است. اما قطعاً این امر دارای دلایل جزئی‌تر می‌باشد که نیاز است بررسی شوند. این پژوهش در پی این است که دریابد چرا حزب جمهوری اسلامی با وجود افراد شاخص در درون هیئت مؤسس خود و ایجاد دستاوردهای درخشان، باید به یکباره خود را حذف کند و از چرخه سیاست کنار بکشد. رسیدن به پاسخ این سؤال زمانی مهم‌تر می‌شود که مشخص می‌شود بعد از فروپاشی حزب جمهوری اسلامی، احزاب دیگر با اندیشه‌های گاه‌متفاوت شکل گرفتند و تا امروز نیز به فعالیت خود ادامه داده‌اند. این امر نشان‌دهنده این است که جامعه ایران ظرفیت پذیرش احزاب را دارد اما این اهداف یک حزب است که مشخص می‌کند یک حزب به فعالیت ادامه دهد یا متوقف شود (اشرفی، ۱۳۹۷: ۷۰).

## سؤالات تحقیق

- الف: تاریخچه عملکرد فعالیت حزب جمهوری اسلامی در کشور چیست؟  
 ب: ویژگی و استانداردهای یک حزب در کشور توسعه یافته چیست؟

### اهمیت و اهداف تحقیق:

انقلاب اسلامی ایران بزرگ‌ترین تحول قرن چهاردهم هجری قمری و بیستم میلادی و نقطه‌ی عطف در تحولات جهانی می‌تواند تلقی گردد و شک نباید کرد که این انقلاب هم در پیدایش هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب از سایر انقلاب‌های به وقوع پیوسته متفاوت می‌باشد. ضرورت و لزوم شناخت این انقلاب که نه تنها دستاوردی در سطح ملی بلکه در سطح جهان می‌باشد وظیفه‌ی همه متفکران و دلسوزان انقلاب اسلامی است.

احزاب سیاسی معمول در دنیا از طریق اجرای کارکردهایی از قبیل انتقال مطالبات و خواسته‌های مردم به حاکمیت، شناسایی و تربیت نیروهای سیاسی باهدف اداره کشور به ایفای نقش در سطح جامعه می‌پردازند و از سویی به دلایل مختلف در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به‌ویژه عملکرد رهبران حزبی در ناکامی احزاب در ایفای نقش خود تأثیر می‌گذارند. با توجه به نقش و جایگاه حزب جمهوری اسلامی که هدف خود را در اولین بند مرامنامه این‌گونه بیان می‌دارد: "هدف حزب تداوم بخشیدن به انقلاب خلق مسلمان ایران در راه استقرار نظام عدل اسلامی در زمینه‌های معنوی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است." نقش و جایگاه این حزب در خصوص موضوع تحزب در ایران معاصر (دهه اول انقلاب اسلامی- ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۶) حائز اهمیت می‌باشد. این حزب در اموری جدی مانند تدوین قانون اساسی، جلوگیری از انزوای نیروهای مذهبی در جامعه، رقابت با احزاب سیاسی غیردینی، تربیت کارگزاران سیاسی باهدف اداره کشور، تثبیت نظام سیاسی جدید و ایجاد نهادهای انقلابی تأثیرات مهمی را در روند پیشبرد اهداف انقلاب از خود به‌جا گذاشت لیکن با توجه به شرایط پیش‌آمده مانند ترور دبیر کل حزب (آیت‌الله دکتر بهشتی) و ایراداتی در نحوه مدیریت حزب مانند فراگیر بودن عضوگیری، ناهمگونی تفکرات حاکم، حزب را با ناکامی در استمرار فعالیت مواجه ساخت که نهایتاً منجر به انحلال حزب گردید. بر این اساس اهمیت مطالعه و تحقیق در خصوص این حزب که از مؤثرترین احزاب در دهه اول انقلاب به شمار می‌رود واضح و مبرهن می‌گردد.

یکی از اهداف این تحقیق این است تا با مشخص نمودن جایگاه و نقش حزب جمهوری اسلامی در ایجاد و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران و مقایسه نمودن این تشکیلات حزبی با استانداردهای حزبی معمول در جهان (جوامع پیشرفته) علل عدم استمرار آن مورد واکاوی و مذاقه قرار گیرد.

## فرضیه

الف: حزب جمهوری اسلامی از منظر نخبگان حزبی در شبکه‌سازی، کادر سازی و انسجام‌بخشی موفق ولی در استمرار و نهادینگی به واسطه ناسازگاری نهادی و ساختاری توفیق چندانی نداشت.

ب: حزب جمهوری اسلامی از آنجایی که بیشتر شبیه جبهه بود تا حزب در تداوم با مشکلاتی مواجه شد که نهایتاً به انحلال آن منجر شد.

## روش پژوهش

روش پژوهش، در مطالعه فوق توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد. در این پژوهش برای تکمیل اطلاعات از روش مصاحبه نیز بهره برده شد. برای کسب اطلاعات در مرحله اول، تمام منابع موجود در مورد حزب جمهوری اسلامی اعم از کتاب، رساله، مقاله، روزنامه و مطالب موجود در سایت‌های معتبر، جمع‌آوری شد و بعد از استخراج مطالب برای بهبود و مستندسازی، از روش مصاحبه نیز بهره برده شد. در نهایت با ترکیب اطلاعات کسب‌شده از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و مصاحبه، نتایج پژوهش استخراج و در مقاله ذکر شد.

## پیشینه موضوع و نوآوری

اشرفی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «مطالعه علل توقف فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی از منظر جامعه‌شناسی احزاب سیاسی» دریافت که حزب جمهوری اسلامی» برای حفاظت از انقلاب اسلامی و جلوگیری از انزوای نیروهای مذهبی در جامعه انقلابی به وجود آمد و در تثبیت نظام سیاسی جدید و تأسیس نهادهای انقلابی، تدوین قانون اساسی، رقابت با احزاب سیاسی غیر ولایی و تربیت نیروهای سیاسی لازم برای اداره کشور، نقشی بسیار مهم ایفا کرد اما برخی عوامل مانند ایجاد جبهه گرایی، شهادت دبیر کل حزب، عدم پایبندی به اهداف و ... موجب ناکامی حزب گردید.

اشرفی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی فلسفه تشکیل و دلیل فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی» بیان کرد که احزاب سیاسی از طریق اجرای کارکردهایی مثل انتقال خواسته‌های مردم به حاکمیت، تربیت نیروهای سیاسی برای اداره کشور و نهادمند کردن رقابت سیاسی قانونی در تحقق توسعه سیاسی به ایفای نقش می‌پردازند. از سوی دیگر دلایل متعدد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و عملکرد نخبگان سیاسی و حزبی در ناکامی احزاب سیاسی در ایفای نقش خود اثرگذار هستند.

جاسبی و پریزاد (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی نقش نخبگان حزبی در عدم استمرار حزب جمهوری اسلامی» بیان کردند که برای تقویت سطح نهادمندی لازم بود تا نخبگان حزب تغییراتی در مواضع و عملکرد خود به وجود آورند، اما این تغییرات با ارزش‌های اسلامی و انقلاب کاملاً سازگار نبود؛ لذا نخبگان حزب جمهوری اسلامی برابر اساسنامه و تعهدات اولیه در دفاع از ارزش‌ها و مصالح نظام به‌جایی رسیدند که باید بین حفظ حزب و حفظ ارزش‌های اسلام و انقلاب یکی را برمی‌گزیدند و آن‌ها دومی را انتخاب کردند.

### چارچوب نظری تحقیق

در این قسمت سعی خواهد شد با توجه به اطلاعاتی که جمع‌آوری شده است با دو پرسش اصلی تحقیق پاسخ داده شود. در ابتدا مفهوم حزب را تعریف خواهیم کرد، تا زمانی که این اثره در اثنای مقاله به کار می‌رود، مخاطب متوجه منظور نویسنده شود.

منظور از حزب چیست؟

### حزب

حزب در قاموس عمومی روشن‌فکران دنیا به‌طور کلی عبارت از سازمان اجتماعی متشکلی است، دارای «جهان‌بینی»، «ایدئولوژی»، «فلسفه‌ی تاریخ»، «نظام اجتماعی ایدئال»، «پایگاه طبقاتی»، «جهت‌گیری طبقاتی»، «رهبری اجتماعی»، «فلسفه‌ی سیاسی»، «جهت‌گیری سیاسی»، «سنت»، «شعار»، «استراتژی»، «تاکتیک مبارزه» و... «آرمان» که می‌خواهد «وضع موجود» را در انسان، جامعه، ملت یا طبقه‌ای خاص (برحسب این‌که، جهانی، ملی یا طبقاتی باشد) تغییر دهد و «وضع مطلوب» را جانشین آن سازد. (پیروز، ۱۳۹۷: ۱۰).

یک تعریف از حزب این است که حزب به گروهی از مردم گفته می‌شود که دارای منافع مشترکی به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستند که در چارچوب قوانین کشور با برخورداری از یک سازمان و برنامه منسجم برای رسیدن به قدرت تلاش می‌کنند. ماکس وبر می‌گوید: حزب مجموعه‌ای از جمعیت‌های اختیاری می‌باشد که در تلاش هستند تا یک فرد به قدرت برسد تا به اهداف خود برسند (ایوبی، ۱۳۷۹: ۴۲).

لئون اپستین از دانشمندان علوم سیاسی در تعریف حزب سیاسی می‌گوید: حزب سیاسی عبارت است از هر نوع گروه حتی با سازمان‌دهی ضعیف که در صدر انتخاب مقامات حکومتی تحت یک عنوان معین باشد. استین روکان، دانشمند نروژی، احزاب سیاسی را نتیجه شکاف‌های نهفته در متن جامعه می‌داند و ادامه می‌دهد که برای بررسی احزاب، قبل از پرداختن به سازمان یا کارکرد آن، باید شکاف‌های اجتماعی، ستیزها و تنازعات اجتماعی را که برخاسته از درون اجتماع هستند مورد بررسی قرار گیرد، زیرا احزاب ریشه در شکاف‌های موجود در اجتماع دارند (شکوری، ۱۳۷۸: ۵۴).

موریس دوورژه، استاد ممتاز دانشگاه پاریس در کتاب "احزاب سیاسی" بر نقش و اهمیت سازمان و تشکیلات حزبی تأکید می‌کند و در اثر دیگر خود بنام "اصول علم سیاست" بدون آنکه تعریف مشخصی از حزب و گروه سیاسی ارائه کرده باشد به ویژگی‌ها، نحوه پیدایش، انواع سازمان‌ها و اهداف آن‌ها را مورد بررسی قرار داده است البته می‌گوید: در جماعات بزرگ استانی و خاصه در کشورهای نوین، پیکار سیاسی میان سازمان‌های کم‌وبیش تخصصی که نوعی ارتش سیاسی به شمار می‌آیند جریان می‌یابد، این سازمان‌ها گروه‌بندی‌های بنیان یافته، منظم و مرتبی هستند که برای مبارزه در راه قدرت ساخته شده‌اند و منافع و هدف‌های نیروهای اجتماعی گوناگونی را (طبقات، واحدهای محلی، دسته‌های نژادی، جماعاتی دارای منافع ویژه) بیان می‌کنند و خود هم وسیله کارکرد سیاسی آنان می‌باشند.

### ویژگی و استانداردهای یک حزب در کشور توسعه یافته چیست؟

برای پاسخ به این پرسش، فعالیت حزبی را توضیح خواهیم داد. فعالیت حزبی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان جامعه‌ی مدنی و دموکراسی، مستلزم رعایت یک سلسله اصولی است که عدم توجه به این اصول در مقام نظر و عمل می‌تواند آسیب‌هایی جدی به این نوع

فعالیت‌ها وارد سازد و مانع توفیق احزاب در راستای تحقق اهداف و آرمان‌های مورد تعقیب آن‌ها باشد (مسعود نیا، ۱۳۹۰).

برخی از این اصول که در فعالیت‌های حزبی رعایت آن‌ها ضروری است، به اختصار به شرح ذیل می‌باشد:

#### الف) اصل بی‌طرفی دولت

فلسفه وجودی احزاب و کارکرد ایشان ایجاب می‌کند که دولت‌ها از ایجاد احزاب یا حمایت‌های ویژه از احزاب طرفدار خود کاملاً اجتناب ورزند. میانه‌میدان سیاسی باید به صورت برابر و یکسان در اختیار احزاب قرار گیرد تا مردم خود، از میان برنامه‌ها و سیاست‌های اعلامی از سوی احزاب، اقدام به‌گزینش گزینه مطلوب خود نمایند و هرگونه شارژ مالی یا تبلیغاتی حزبی از سوی دولت می‌تواند موازنه مطلوب را برهم بزند.

دولت فقط باید بسترهای فعالیت آزاد احزاب را فراهم آورد و از طریق سازوکارهای تقنینی و یا کمک‌های مالی شفاف، برابر و البته قانونمند و یا قرارداد ابزارهای تبلیغاتی مانند رسانه‌های عمومی به احزاب آن‌هم به صورت برابر و شفاف مهیا نماید (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۸۵).

#### ب) کسب صلاحیت و شایستگی

هیچ حزبی، حرکت و جنبشی نمی‌تواند به طور طبیعی جانشین نظام، سیستم و یا دولتی شود، مگر این‌که با کسب یک سلسله صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها آلترناتیوی مترقی برای رقیب باشد. معمولاً نظام‌ها و دولت‌های حاکم با عملکرد خطا کارانه‌ی خویش به طور طبیعی سزاوار شکست می‌شوند و در این راه، هیچ حرکت و جنبشی به طور طبیعی به پیروزی نمی‌رسد مگر این‌که با کسب یک سلسله شایستگی‌ها جانشین و آلترناتیوی شایسته و مترقی برای آن باشد (اشرفی، ۱۳۹۵: ۴۰).

#### ج) ارتباط منطقی و ارگانیک با مردم

یکی از آفاتی که برخی از احزاب بدان دچار می‌شوند، در پیش گرفتن منشی افراطی و تفریطی روشنفکرانه و یا متحجرانه می‌باشد که منجر به فاصله گرفتن آن‌ها از مردم می‌شود. هر حزب و جنبشی باید به جای حرف زدن و شعار دادن از جانب مردم با حضور در میان آنان و برقراری ارتباط ارگانیک با اقشار مختلف مردم به فهم مسائل مطرح در میان آنان و درک نیازها و مشکلات آن‌ها نائل آید و در راستای حل آن‌ها بکوشد. هر حزب و جنبشی



علاوه بر تلاش برای تأمین نیازهای معنوی مردم باید در راستای تأمین نیازهای مادی آنان نیز بکوشد.

اتخاذ مواضع خشن در مقابل مردم و رمی آنان به برخی از اتهامات ولو به خاطر صدور برخی از اشتباهات از آنان موجب فرار آنان می‌شود و زمینه‌ی فریب و طعمه شدن آنان را برای برخی از جریان‌های عوام‌فریب فراهم می‌آورد (ایمان، طبیعی و امینی‌زاده، ۱۳۹۹: ۵۰).

#### د) درک صحیح شرایط

شرایط و معادلات سیاسی و اجتماعی همواره در حال دگرگونی و تغییر است و هر حزب و جنبشی باید نهایت تلاش خویش را به کار گیرد که به درکی صحیح و واقع‌بینانه از شرایط و معادلات سیاسی و اجتماعی نائل آید و همراه با رعایت یک سلسله اصول اجتناب‌ناپذیر، بر اساس شرایط و معادلات حاکم بر جامعه و جهان به اتخاذ مواضع پردازد (غفاری جاهد، ۱۳۸۹: ۷۵).

#### ه) شفافیت اصول حزب

به دلیل آنکه بسیاری از مفاهیم جدید علوم سیاسی از جمله حزب با کارکردهای حاضر خود-در عصر مشروطه وارد ادبیات سیاسی کشور ما شده و معمولاً هم به صورت ناقص وارد شده‌اند؛ مورد مخالفت طیفی از گروه‌های مرجع جامعه قرار گرفتند و فضای غیر شفافیتی در خصوص فعالیت حزبی به وجود آمد که تا به حال نیز کاملاً مشهود است. به گونه‌ای که حتی برخی گروه‌ها که عملاً کارکرد حزبی و سیاسی دارند از قرار دادن عنوان حزب به گروه‌های سیاسی خود اجتناب می‌ورزند.

#### و) توجه به کارکردهای غیر انتخاباتی حزب

حزب در کنار کارکرد انتخاباتی خود از جمله معرفی و حمایت نامزد انتخاباتی، دارای کارکردهای مهم دیگری است که شاید مهم‌تر از کارکرد انتخاباتی باشد؛ کارکردهایی مانند جامعه‌پذیری سیاسی است که طی آن ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی یک نسل به نسل دیگر انتقال می‌یابد و بر سواد سیاسی شهروندان می‌افزاید و در نتیجه ثبات سیاسی و جلوگیری از هیجانات کاذب سیاسی را به دنبال دارد. تکیه فراوان بر کارکرد انتخاباتی در احزاب بسیار آسیب‌زا بوده و موجب فصلی شدن فعالیت‌های حزب می‌گردد لذا احزاب لازم است هم کارکردهای متنوع و گسترده خود را در عصر حاضر بشناسند و برای آن‌ها برنامه‌ریزی نمایند (کیانی و جوادی ارجمند: ۱۳۹۷: ۱۹۲).

### ز) ضرورت حرکت علمی

اولین اصلی که هم در مقام تأسیس حزب و هم در مقام فعالیت در آن باید رعایت شود، ابتدای اقدامات و فعالیت‌ها بر شناخت، علم و معرفت می‌باشد. فقدان این اصل در فعالیت‌های حزبی، حزب را تبدیل به نوعی باند می‌کند و ماهیت آن را از نوعی پدیده‌ی مدرن به نوعی محفل ارتجاعی تغییر می‌دهد.

هرگونه فعالیت حزبی نیازمند استفاده از یک سلسله دانش‌های مرتبط با این‌گونه فعالیت‌ها است. علمیت در زمینه‌ی فعالیت حزبی، یعنی استفاده از مجموعه‌ی دستاوردهای علوم مرتبط با این سنخ فعالیت‌ها از قبیل علم سیاست، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، آمار، اقتصاد، حقوق و ... که برای این مهم، احزاب، نیازمند ارتباطی جدی با مراکز دانشگاهی و استفاده از دانش‌ها و تجربیات صاحب‌نظران این علوم و فنون می‌باشند. بر این اساس برای کاری جدی در حوزه‌ی فعالیت‌های حزبی نیازمند به مطالعات جدی علمی درباره‌ی مسائل تئوریک و پراتیک هستیم که هرگونه سهل‌انگاری در این زمینه می‌تواند موجب نقض غرض شود و خسارات سنگینی را متوجه حزب، مردم و منافع ملی کند (اشرفی، ۱۳۹۵: ۸۶).

### ح) توجه به کیفیت فعالیت

یکی از اشکالات جدی در فضای سیاسی کشور، وجود تعداد زیادی از گروه‌های سیاسی است که نام احزاب یا نام‌های مشابه را یدک می‌کشند و مجوز فعالیت حزبی هم دارند ولی در عرصه جامعه، کاملاً مشهود است که این فعالیت‌ها بیشتر مربوطه به بازه زمانی انتخابات می‌باشند. یعنی در حالیکه احزاب مدرن امروزه فعالیت‌های خالی خود را پس از روز انتخابات - به عنوان برنده یا بازنده انتخابات - قوت می‌بخشند، بسیاری از گروه‌های سیاسی موجود در جامعه، روز انتخابات و پس از اعلام نتایج فعالیتشان پایان می‌یابد.

به نظر می‌رسد اگر به جای تعداد زیاد حزب مجوز گرفته، فقط به اندازه انگستان یک‌دست و یا حتی کمتر احزاب قوی، منسجم و دارای برنامه داشته باشیم بسیار مناسب‌تر باشد. دقت شود گروه‌های سیاسی که دارای مجوز فعالیت حزبی هستند ولی دارای برنامه منسجم و منطقی در حوزه فعالیت‌های سیاسی نیستند از طریق ادغام یا ائتلاف به سمت تشکیل حزبی فراگیرتر بروند که واقعاً به مثابه یک حزب عمل نمایند و تنها عنوان حزب را نداشته باشند (شکوری، ۱۳۷۸: ۵۴).

ط) اصل قرار گرفتن منافع ملی

این نکته بسیار حائز اهمیت است که احزاب در هر جامعه سیاسی، در درون چارچوب تعریف شده و خاص فعالیت می نمایند و منطقی نمی باشد که منافع حزبی و گروهی خود را بر منافع ملی ترجیح دهد.

در همه کشورها، منافع ملی از محدودیت های سترگ فعالیت احزاب می باشد و اگر حزبی که قرار است اساس آن بر پایه جمع میان منافع جزء و منافع کلان باشد، این اصل را رعایت نکند، در عمل، قواعد بازی را رعایت نکرده و نباید انتظار حمایت داشته باشد.

تاریخچه عملکرد فعالیت حزب جمهوری اسلامی در کشور چیست؟

حزب جمهوری اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورت ایجاد تشکیلات و به وجود آوردن نوعی انسجام و هماهنگی درونی میان نیروهای سیاسی و مبارز مذهبی، ذهن بعضی از فعالان سیاسی متدین را به خود مشغول کرده بود. این اندیشه در میان تنی چند از روحانیان که از ۱۳۴۱ خورشیدی با نهضت امام خمینی همفکر و همراه بودند، از ۱۳۵۶ که اوضاع سیاسی ایران به سرعت در حال تحول بود، قوت گرفت. با دستگیری و تبعید بعضی از افراد مؤثر در این امر، پیگیری موضوع سازمان دهی نیروهای مبارز مذهبی و ایجاد تشکیلات برای آن ها، برای مدتی در حدود یک سال متوقف شد (فیرحی، ۱۳۹۰).

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ ش و پس از بازگشت و آزادی فعالان سیاسی - مذهبی از تبعید و زندان، ضرورت ایجاد تشکیلاتی منسجم در قالب یک «حزب» بیشتر احساس شد و امکان همفکری و همکاری برای چنین کاری نیز فراهم گشت. چنین بود که در پاییز و زمستان ۱۳۵۷ ش، همان چهره های روحانی که این اندیشه را از قبل در سر داشتند و با امام خمینی (ره) نیز در ارتباط بودند در کنار فعالیت های دیگری که در ماه های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بر عهده داشتند، اندیشه تأسیس حزب را نیز دنبال کردند و هم زمان با بازگشت امام خمینی از پاریس به تهران، در فاصله دوازدهم تا بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷، آرزوی چند ده ساله و نتیجه همفکری های یکی دوساله خود را در قالب اساسنامه و مرامنامه حزبی به نام «حزب جمهوری اسلامی» به ظهور رساندند و پس از جلب موافقت امام خمینی، خبر تأسیس حزب جمهوری اسلامی را به فاصله چند روز

پس از فروپاشی حکومت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی، به مردم اعلام کردند (غفاری، ۱۳۸۹: ۷۲).

مؤسسان حزب سید محمد حسینی بهشتی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، علی اکبر هاشمی رفسنجانی، سید علی خامنه‌ای و محمدجواد باهنر بودند که هم‌زمان با تأسیس حزب، در شورای انقلاب نیز عضویت داشتند. اعلامیه تأسیس حزب را سید علی خامنه‌ای نوشت و نخستین جلسه شورای مرکزی در ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ در محل کانون توحید در تهران تشکیل شد. شورا سی تن عضو داشت که افزون بر مؤسسان، ۲۵ تن دیگر غالباً شخصیت‌های فعال در انقلاب، از روحانی و بازاری و دانشگاهی، بودند. سید محمد بهشتی نیز به‌عنوان نخستین دبیر کل حزب انتخاب شد (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۹۳)..

اساسنامه حزب که مشتمل بر ۴۴ ماده و ۵ تبصره بود، در نخستین کنگره حزب به تصویب رسید. ارکان حزب مشتمل بود بر عضو، حوزه، واحد آمادگی، شورای بخش و شهرستان و استان، هیئت اجرایی، شورای مرکزی، شورای دآوری، شورای ایدئولوژی، شورای افتاد و کنگره. شورای مرکزی مسئولیت برنامه‌ریزی حزب را بر عهده داشت. وظیفه شورای ایدئولوژی و افتا، نظارت بر مشی حزب و بررسی و تصمیم‌گیری درباره مصوبات شورای مرکزی بود. کنگره، تصویب و ایجاد هرگونه تغییر در اساسنامه، انتخاب اعضای شورای مرکزی و شورای دآوری، و بررسی عملکرد حزب را بر عهده داشت (جعفری موحد، ۱۳۸۶: ۱۶۰).

محورهای اصلی مواضع حزب درباره جهان‌بینی، ساخت جامعه و برنامه‌های فرهنگی - هنری، اداره کشور، سیاست اقتصادی و سیاست خارجی به‌طور مشروح در بیانیه‌ها و مصاحبه‌های مؤسسان و اعضای اصلی حزب تبیین شده بود. در سیاست خارجی، حزب معتقد به اصل «نه شرقی، نه غربی» و ایجاد مناسبات برادرانه با همه مسلمانان جهان و قطع هر نوع پیوند اقتصادی که موجب سلطه قدرت‌های بزرگ بر کشور شود، بود. افشای توطئه‌های قدرت‌های بزرگ سلطه‌جو، به‌ویژه حکومت امریکا، از اهداف اصلی حزب بود. همچنین که از نظر حزب، کمک به نهضت‌های آزادی‌بخش یکی از وظایف دولت اسلامی محسوب می‌شد (پیروز، ۱۳۹۷: ۲۰).

مؤسسان، با تحلیل اوضاع کشور، دریافته بودند که پس از پیروزی انقلاب با قرار گرفتن بار سنگین اداره کشور بر دوش انقلابیون، آن‌هم بر اساس موازین و آرمان‌های

انقلاب اسلامی، وجود یک تشکیلات سیاسی فراگیر و کارآمد امری حیاتی است وگرنه انقلاب اسلامی نیز به سرنوشت نهضت مشروطه و موارد مشابه دچار خواهد شد. آنان در بیان هدف از تأسیس حزب به کرات اعلام کردند که مقصودشان ورود در میدان جنگ قدرت و بیرون کردن رقیب سیاسی از صحنه نیست بلکه غرض انتقال تفکرات صحیح دینی و تحلیل‌های درست سیاسی به اعماق جامعه، تبیین انقلاب و تشریح چگونگی ایجاد یک نظام اسلامی، استمرار بخشیدن شور مبارزه در میان مردم و حفظ وحدت آنان، آموزش دادن این مفاهیم به جوانان و تشویق آنان به انضباط حزبی و آماده ساختن آن‌ها برای حضور در عرصه‌های مختلف مدیریت کشور است (اشرفی، ۱۳۹۵: ۶۵).

با اعلام تأسیس حزب، تقاضاهای زیادی برای عضویت در آن در سراسر کشور مطرح شد. هم‌زمان تقاضا برای گشودن دفاتر حزب در شهرستان‌ها نیز بالا گرفت. در دو سه سال اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئولان و مدیران حزب کار دشواری بر عهده داشتند. آنان ناگزیر بودند از یک‌سو به تحکیم پایه‌های حزب پردازند و از سوی دیگر توده‌های مردم را بر اساس مبانی موردنظر امام خمینی و در مسیر همکاری با حکومت پدید آمده از انقلاب هدایت و سازمان‌دهی کنند. در این سال‌ها، حزب در راستای نیل به مقاصد خود فعالیت‌های گسترده‌ای کرد، از جمله این فعالیت‌ها، کمک مؤثر به برگزاری همه‌پرسی جمهوری اسلامی در دهم فروردین ۱۳۵۸، معرفی نامزدهای واجد صلاحیت به مردم در انتخابات مجلس خبرگان بررسی و تصویب قانون اساسی با تأکید بر اصل یک‌صد و دهم آن (ولایت فقیه، اختیارات و مسئولیت‌های ولی فقیه)، کمک به برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی و شرکت فعال در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای اسلامی و مقابله با ضدانقلاب و شرکت در جبهه‌های جنگ تحمیلی بود (اشرفی، ۱۳۹۷: ۷۲).

حزب همچنین با توجه به وضع خاص کشور، خدمات عمرانی قابل توجهی داشت، از جمله تأسیس کتابخانه، راه‌اندازی کارخانه، خانه‌سازی و حتی لوله‌کشی آب در روستاها و مناطق محروم.

حزب جمهوری اسلامی با همه گسترش و قدرت و موفقیتی که داشت با مشکلات و موانع فراوانی روبه‌رو بود. به‌مرورزمان از میان فعالان سیاسی، عده‌ای، که همان رهبران و مدیران ارشد حزب بودند، بر عده‌ای دیگر اولویت و ارجحیت یافته بودند و این امر

به‌خودی‌خود موجب نارضایی و گله‌مندی شد. مخالفان انقلاب نیز همه انتقادات و فشارها و تهدیدهای خود را به‌سوی حزب متوجه کرده بودند. همه‌کسانی که با شخص امام خمینی و مبانی او مخالف بودند حملات خود را متوجه حزب و رهبران آن کرده بودند. سازمان مجاهدین خلق و بنی‌صدر و هواداران گوناگون او و نیز فعالان حزب خلق مسلمان همواره حزب را با عناوینی از قبیل انحصارگرایی و قدرت‌طلبی متهم می‌ساختند. این مخالفت‌ها از شایعه‌پراکنی علیه رهبران حزب و ترور شخصیت آن‌ها به ترور شخص آن‌ها کشیده شد. هاشمی رفسنجانی در بهار ۱۳۵۸ مورد سوءقصد اعضای گروه فرقان قرار گرفت؛ سید علی خامنه‌ای بر اثر انفجار بمبی که توسط اعضای سازمان مجاهدین در محل سخنرانی وی کار گذاشته شده بود (۶ تیر ۱۳۶۰) از ناحیه دست به شدت مجروح شد. در بمب‌گذاری ۷ تیر ۱۳۶۰، سید محمد بهشتی و عده‌ای از اعضای شورای مرکزی و مدیران و هواداران درجه اول حزب (بیش از ۷۰ نفر)، در ساختمان مرکزی حزب به شهادت رسیدند. اندکی بعد در ۸ شهریور همان سال محمدجواد باهنر همراه با محمدعلی رجائی (رئیس‌جمهور وقت) بر اثر انفجار بمب در دفتر کارشان به شهادت رسیدند. مسبب این دو انفجار هم مجاهدین خلق بودند. دو نفر از اعضای شورای مرکزی نیز در حملات تروریستی جان خود را از دست دادند (پیروز، ۱۳۹۷: ۱۵).

حزب با مشکلاتی از بیرون و درون به چالش کشیده می‌شد. ازجمله ضعف‌ها، رشد سریع کمی حزب در سراسر کشور و غلبه این رشد بر ظرفیت‌های آموزشی و مدیریتی آن بود. ضعف دیگر ناشی از اشتغال رهبران حزب به اداره امور مهم کشور بود که وقت کافی برای حضور در حزب و سازمان‌دهی آن نداشتند. شهادت عناصر اصلی و مسئولان بالای حزب نیز ضربه سنگینی بر این حزب تازه تأسیس بود (مسعود نیا و نجفی، ۱۳۹۰). پس از تشکیل دولت، مغایرت دیدگاه‌های مختلف در اداره امور کشور، به‌ویژه در مسائل و مباحث اقتصادی، به صورتی جدی آشکار شد. این دیدگاه‌های متعارض اقتصادی در درون شورای مرکزی حزب نیز به ظهور رسید؛ ازجمله بحث بر سر اموری نظیر گسترش یا عدم گسترش مالکیت‌های دولتی و تمرکزگرایی در اقتصاد دولتی. بعضی افراد و جریان‌های سیاسی هم از بیرون حزب در ایجاد شکاف و اختلاف بی‌تأثیر نبودند. موفقیت‌های حزب در انتخابات مجلس و حضور شماری از اعضا و هواداران آن در

رده‌های مختلف دولت نیز باعث تحریک حس رقابت و حسادت در مخالفان حزب شده بود (غفاری، ۱۳۸۹: ۷۳).

حزب پس از تشکیل، درصدد انتشار نشریه‌ای به‌عنوان ترجمان رسمی خود برآمد. امتیاز روزنامه به نام سید علی خامنه‌ای ثبت شد و شماره نخست آن در ۹ خرداد ۱۳۵۸ منتشر گردید. مدیرمسئول و سردبیر آن، در سرمقاله افتتاحی، برخی اهداف روزنامه را چنین بیان کرد: دریافت صحیح رویدادها، کشف روابط منطقی میان رویدادها، استفاده از این رابطه برای نفوذ به عمق مطلب و انتشار واقعیت بر اساس معیارهایی در چهارچوب اعتقادی. محور مباحث روزنامه، مسائل جهان اسلام، حمایت از مستضعفان جهان و توجه به نیازمندان جهان اسلام بود. مسئولان روزنامه سه ویژگی برای عملکرد روزنامه برشمرده‌اند: «سرعت عمل در تهیه اخبار، صداقت در تهیه گزارش‌ها و رعایت موضع‌گیری درست در اخبار پس از تعطیل حزب، روزنامه جمهوری اسلامی به‌طور مستقل و بدون تغییر در مشی خود، با سردبیری مسیح مهاجری به فعالیت ادامه داد. وی از اواسط ۱۳۵۹ ش، پس از آن‌که موسوی وزیر خارجه شد، مسئولیت روزنامه را بر عهده داشت. حزب، نشریه‌ای دانش‌آموزی به‌نام عروه‌الوثقی نیز منتشر می‌کرد (حسینی بهداشتی، ۱۳۹۰).

سرانجام با عمیق شدن این اختلافات در درون شورای مرکزی و اختلافاتی که در بعضی شهرها میان مسئولان حزب و سایر مقامات اجرایی پدید آمد و اخبار آن نیز به اطلاع امام خمینی رسید، آقایان خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی (رئیس مجلس وقت) در نامه‌ای به امام خمینی، در تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۶۶، ضمن اشاره به دلایل و موجبات تأسیس حزب در آغاز پیروزی انقلاب و نقش حزب در تحکیم و تثبیت پایه‌های نظام و رفع توطئه‌های دشمنان، ادامه حیات حزب را بهانه‌ای برای دودستگی نیروهای انقلاب دانستند و رأی شورای مرکزی را مبنی بر تعطیل حزب و توقف کلی فعالیت‌های آن به اطلاع امام رساندند که با آن موافقت شد.

### داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه

در این بخش، اطلاعات گردآوری شده از مصاحبه را ذکر خواهیم کرد. برای این منظور، از مصاحبه ساختاریافته استفاده شد. تعدادی از نخبگان حزبی و سیاسی شناسایی و بعد از توضیح در مورد روند کار، پرسشنامه تنظیم شده خدمت این افراد ارائه و درنهایت اطلاعات مورد تحلیل قرار گرفت. این پرسشنامه شامل دو سؤال است.

سؤال اول: در زیر مهم‌ترین علل توقف فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی ذکر شده است. با توجه اطلاعات خود، این عوامل را رتبه‌بندی کنید و به ما در شناسایی مهم‌ترین عامل یاری رسانید

- چنددستگی اندیشه در بین نخبگان حزبی
- عدم وجود اهداف قوی و منسجم
- عدم انسجام در بین اعضا
- پراکندگی خواسته‌های اعضا حزب
- فراگیر و جبهه‌ای بودن
- نحوه عضوگیری
- شهادت مؤثرترین دبیر کل حزب یعنی آیت‌الله بهشتی

بعد از پاسخگویی به سؤال فوق و تحلیل اطلاعات مشخص شد که مهم‌ترین عامل از دید نخبگان، وجود تفاوت دیدگاه در بین نخبگان حزبی است. رتبه‌بندی سایر عوامل به شرح زیر است:

رتبه	مولفه‌ها
۱	چنددستگی اندیشه در بین نخبگان حزبی
۲	عدم انسجام در بین اعضا
۳	فراگیر و جبهه‌ای بودن
۴	نحوه عضوگیری
۵	عدم وجود اهداف قوی و منسجم
۶	پراکندگی خواسته‌های اعضا حزب
۷	شهادت مؤثرترین دبیر کل حزب یعنی آیت‌الله بهشتی

سؤال دوم: از دید شما چه عوامل دیگری در توقف فعالیت‌های حزب مؤثر بوده است؟ برای سؤال فوق چند مورد ذکر شد.

۱. عدم آموزش درست اعضا
۲. رشد کمی اعضا
۳. شهادت افراد اصلی حزب



## نتیجه پژوهش

اسلام انقلابی در ایران روایتی است که تفسیر خاص از جهان ارائه می‌کند و آنچه آموخته است در قالب قانون اساسی ایران وارد کرده و به کنش‌های ایران امروز جهت می‌دهد. پژوهش حاضر به بررسی حزب جمهوری اسلامی پرداخته است و در پی رسیدن به این سؤال است که چه دلایلی موجب شد تا حزب جمهوری اسلامی فعالیت خود را متوقف کند درحالی‌که در زمان خود بزرگ‌ترین اجتماع انقلابی را تشکیل داده بود، دو فرضیه مطرح شد. در ذیل این متن به رد یا تأیید این فرضیات خواهیم پرداخت.

الف: حزب جمهوری اسلامی از منظر نخبگان حزبی در شبکه‌سازی، کادر سازی و انسجام‌بخشی موفق ولی در استمرار و نهادینگی به واسطه ناسازگاری نهادی و ساختاری توفیق چندانی نداشت.

با توجه به اطلاعات پژوهش این فرضیه مورد تأیید است. حزب جمهوری اسلامی که فعالیت خود را درست هم‌زمان با انقلاب اسلامی ایران شروع کرد، اهداف خود را نیز با اهداف انقلاب و امام راحل، منطبق کرد و سعی کرد در این مسیر از افرادی استفاده کند که دارای اعتقادات دینی و ملی قوی هستند و پیرو دستورات امام خمینی هستند. در این بین ۵ نفر از روحانیون بلندمرتبه که از ابتدا شکل‌گیری اندیشه انقلاب در کنار امام بودند، اقدام به تشکیل حزب جمهوری اسلامی کردند. بنیان‌گذاران آن روحانیانی چون سید محمد حسینی بهشتی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، اکبر هاشمی رفسنجانی، سید علی خامنه‌ای و محمدجواد باهنر بودند.

در ابتدا که مردم در شور انقلاب و بعد از آن جنگ بودند، و کشور نیازمند سازمان‌دهی قوی بود، در عملکرد این حزب خللی ایجاد نشد، اما بعدها با اتمام جنگ، زمانی که افراد خود را از بند جنگ رها دانستند، به تدریج اندیشه‌های جدیدی در اثنای این حزب ایجاد شد که مغایر با آنچه از ابتدا بیان کرده بودند، بود. برخی از افراد عقاید حزب را مخالف با حال جامعه می‌دانستند و در صدد بودند برای بهبود اوضاع و پیشرفت سریع‌تر جامعه، تفکرات نوینی را جایگزین تفکرات حزب جمهوری اسلامی کنند.

سرکردگان این حزب زمانی که دیدند اندیشه‌های اسلامی حزب که منطبق بر اندیشه امام و اسلام بود، در خطر است، دو راه پیش روی خود ملاحظه کردند. آن‌ها یا باید در

دستورالعمل حزب تغییرات اساسی ایجاد می‌کردند و یا اینکه حکم تعطیلی حزب را صادر می‌کردند. هیئت مؤسس حزب تصمیم گرفت حزب را متوقف کند و دیگر فعالیتی نداشته باشد تا اینکه مجبور نشود مطابق با اندیشه غرب پیش برود. این عمل اصلی‌ترین دلیل توقف فعالیت حزب بود.

ب: حزب جمهوری اسلامی از آنجایی که بیشتر شبیه جبهه بود تا حزب در تداوم با مشکلاتی مواجه شد که نهایتاً به انحلال آن منجر شد.

با توجه به آنچه در قسمت معیارهای استاندارد یک حزب بیان شد مشخص می‌شود که حزب جمهوری اسلامی، معیارهای لازم را برای اینکه بتوان نام آن را حزب گذاشت، را ندارد. این گروه بیشتر در قالب یک جبهه فعالیت داشتند و این امر موجب شد نتوانند استمرار و تداوم خود را حفظ کنند.

به دیگر سخن حزب جمهوری اسلامی بر اساس معیارهای پذیرفته‌شده در احزاب غربی، فاقد برخی نهادمندی‌ها بود؛ اما به‌عنوان یک جبهه برای بنیان‌گذاران حزب، اصل اسلام، انقلاب و حفظ دستاوردهای انقلاب بیش از پایداری و نهادمند شدن و حفظ حزب دارای ارزش بود؛ لذا زمانی که لازم بود به نفع انقلاب حزب را تعطیل نمایند، لحظه‌ای تردید نکردند.

## منابع

- اسماعیلی، خیرالله (۱۳۸۶)، حزب جمهوری اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اشرفی، اکبر (۱۳۹۵)، مطالعه علل توقف فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی از منظر جامعه‌شناسی احزاب سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۴(۱)، صص ۸۴-۶۵.
- اشرفی، اکبر (۱۳۹۷)، بررسی فلسفه تشکیل و دلیل تعطیلی فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۱(۲)، صص ۹۰-۶۷.
- ایمان، محمدتقی؛ طبعی، منصور و امینی‌زاده، سینا (۱۳۹۹)، ارزیابی مبانی پارادایمی مرامنامه احزاب ایران بعد از انقلاب (مطالعه موردی حزب جمهوری اسلامی، حزب کارگزاران)، مجله دانش سیاسی، ۱۱(۳۱)، صص ۶۶-۴۵.
- پیروز، مجید (۱۳۹۷)، حزب‌تر از اسلامی: بررسی کارنامه و عملکرد حزب جمهوری اسلامی، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو، ۱(۷۸)، صص ۴۰-۷.
- جاسبی، عبدالله و پریراد، رضا (۱۳۹۴)، آسیب‌شناسی نقش نخبگان حزبی در عدم استمرار حزب جمهوری اسلامی، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۴(۱۵)، صص ۵۲-۲۹.
- جاسبی، عبدالله (۱۳۸۴)، تشکل فراگیر، تهران: دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی، جلد اول.
- جعفری موحد، حسین (۱۳۸۶)، حزب جمهوری اسلامی مولود سالم انقلاب، فصلنامه تخصصی در حوزه تاریخ پژوهی، ۱۲، صص ۱۹۰-۱۵۹.
- حسینی بهشتی، محمد (۱۳۹۰)، ولایت، رهبری و روحانیت، تهران: بنیاد نشر اندیشه‌ها آیت‌الله بهشتی. ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۹)، پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب، تهران: انتشارات سروش. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۱۲/۱۷.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۸)، تحزب و حزب جمهوری اسلامی از نگاه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، روش‌شناسی تاریخ شفاهی، ۱(۵۳)، صص ۲۹۶-۲۶۹.
- عباسی، ابراهیم (۱۳۹۳)، حزب جمهوری اسلامی؛ مهم‌ترین اجتماع سیاسی اسلام انقلابی در ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۳۶، صص ۲۱۲-۱۷۱.
- غفاری جاهد، مریم (۱۳۸۹)، روزشمار حزب جمهوری اسلامی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۵۳، صص ۷۶-۷۲.
- فیرحی، داوود (۱۳۹۰)، رهبری و امامت در اندیشه شهید بهشتی، فصلنامه سیاست، ۴۲(۱).

کیانی، احسان و جوادی ارجمند، محمدجعفر (۱۳۹۷)، گفتمان سیاست خارجی جریبان‌های ملی‌گرا و اسلام‌گرا مطالعه موردی، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱(۲۵)، صص ۲۰۵-۱۸۳.

مسعودنیا، حسین و نجفی، داوود (۱۳۹۰)، احزاب و توسعه سیاسی در ایران: چالش‌ها و راهکارها، مجله علمی تخصصی پژوهش‌های سیاسی، ۱(۲).